

بررسی ویژگی های شخصیتی امام رضا علیه السلام

چکیده:

امام رضا (علیه السلام) یک شخصیت برجسته هستند که کلیه اعمال و رفتارشان منطبق با آموزه های قرآنی است و بهترین الگوی زندگی سعادت‌مندان در دنیا و آخرت می باشند. بررسی ویژگی های شخصیتی ایشان در کیفیت زندگی آحاد مسلمانان بسیار تأثیرگذار است.

این نوشتار با استفاده از منابع روایی در پی تبیین ابعاد فردی شخصیت امام رضا (علیه السلام) از قبیل خوش خلقی، عبادت، ساده‌زیستی و... و ابعاد اجتماعی شخصیت ایشان، از قبیل سیاست، مناظرات، جود و سخاوت و... است.

واژگان کلیدی: امام رضا، ابعاد فردی، شخصیت، ابعاد اجتماعی.

طرح بحث

امامان شیعه (علیهم السلام) اسوه و الگوی فکری، اعتقادی و عملی و اخلاقی هستند. ایشان در تمام جهات، در قول و فعل، اخلاقیات و مسائل اجتماعی برای ما مقتدا و نمونه می باشند؛ و راه نجات در پیروی از آنان است.

این حقیقت بر ما که در جستجوی کمال در زندگی می باشیم واجب می کند که با بررسی شخصیت فردی و اجتماعی آنان بهترین الگوها را سرلوحه زندگی قرار دهیم.

در این میان سیره امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) را می توان به عنوان یکی از بهترین الگوهای تعامل در زندگی فردی و اجتماعی که جهان از آن غافل مانده است نه تنها به مسلمانان بلکه به بشریت ارائه نمود تا از رهگذر منش تعاملی این امام بزرگوار انسان دنیای زیباتری را تجربه کند و آئین مهرورزی و عطوفت را بیاموزد.

در این نوشتار به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که ویژگی های شخصیتی امام رضا (علیه السلام) در خانواده و اجتماع چگونه بوده است؟

الف. مختصری از زندگی امام

امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) هشتمین امام شیعیان از سلاله پاک رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می باشند. ایشان در سن ۳۵ سالگی عهده دار مسئولیت امامت و رهبری شیعیان گردیدند و حیاتشان مقارن بود با خلافت خلفای عباسی که سختی ها و رنج بسیاری را بر امام روا داشتند و سرانجام مأمون عباسیان حضرت را در سن ۵۵ سالگی به شهادت رساند. نام مبارک ایشان علی و کنیه آن حضرت ابوالحسن و مشهورترین لقب ایشان "رضا" به معنای "خشنودی" می باشد.



پدر بزرگوار ایشان امام موسی کاظم (علیه السلام) پیشوای هفتم شیعیان بودند که در سال ۱۸۳ ه.ق. به دست هارون عباسی به شهادت رسیدند و مادر گرامی شان "نجمه" نام داشت. حضرت رضا علیه السلام در یازدهم ذیقعد سال ۱۴۸ هجری در مدینه منوره دیده به جهان گشودند. (مجلسی، ۱۳۶۳: ج ۴۹، ص ۳)

پیشوایان معصوم ما و از جمله حضرت رضا علیه السلام واجد خصوصیات مختلف بودند. در کتاب تحف العقول صفحه ۴۳۹ از قول عبدالعزیز بن مسلم درباره‌ی مسئله‌ی امامت و امام و موقعیت او مطالبی از حضرت رضا (علیه السلام) ذکر شده است:

«الامام مطهر من الذنوب، مبرء من العيوب، مخصوص بالعلم، موسوم بالحلم، نظام الدين و عزالمسلمين و غيظ المنافقين و بوار الكافرين ... نامی العلم، کامل الحلم، مصطلع بالامر، عالم بالسياسة، مستحق للرئاسة، مفترض الطاعة، قائم بامرالله، ناصح لعبادالله. ان الانبياء و الاوصياء صلوات الله عليهم يوقفهم الله و يسددهم و يوتيههم من مخزون علمه و حكمته ما لا يؤتیه بغيرهم...» (ابن شعبه، ۱۳۸۲، ص ۴۳۹)

«امام از گناهان پاک و از عیوب مبرا است به علم مخصوص و بردباری موسوم است، نظام دین و عزت مسلمین و خشم بر منافقین و نابودی کفار است. درخت دانش در وجود او بارور است و حلم و بردباری را به سرحد کمال داراست و در مقام امامت کاملاً نیرومند است. از سیاست آگاه است، سزاوار ریاست است و واجب الاطاعت است قائم به امر خداست و نسبت به بندگان خدا خیرخواه، پیغمبران و اوصیاء (صلی الله علیه و آله و سلم) را خدا توفیق دهد و کمک کند و از مخزن علم و حکمتش به آن‌ها بدهد آنچه دارد به دیگری ندهد.»



شخصیت امام (علیه السلام) در ابعاد فردی و اجتماعی مورد توجه می‌باشد که در این قسمت به بررسی این ابعاد می‌پردازیم.

۱. ابعاد فردی:

اخلاق فردی مربوط به حیات فردی انسان‌ها است که آدمی را فارغ از رابطه با غیر در نظر می‌گیرد در این قسمت اخلاق فردی امام (علیه‌السلام) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۱ اخلاق و ادب

اخلاق، یکی از عناصر مهم شخصیت انسان است و کاشف کیفیت ذات و درون اوست. امام رضا (علیه‌السلام) به اخلاق عالی و ممتاز آراسته بودند و بدین سبب دوستی عام و خاص را به خود جلب کردند، همچنین انسانیت آن حضرت یگانه و بی‌مانند بود و در حقیقت تجلی روح نبوت و مصداق رسالتی بود که خود آن حضرت، یکی از نگهبانان و امانت‌داران و وارثان اسرار آن به شمار می‌رفت. آن حضرت به عنوان اسوه‌ی کانون مهر و عاطفه نسبت به بندگان خدا بود، ایشان درجایی که مربوط به شخص خودشان بود بزرگ‌ترین گذشت‌ها، عالی‌ترین ایثارها و بیشترین محبت را نسبت به دیگران داشتند، به طوری که اگر فردی حتی کوچک‌ترین خدمتی برای امام رضا (علیه‌السلام) انجام می‌داد ایشان نهایت تشکر و قدردانی را به جا می‌آورد و حتماً خدمت آن فرد را جبران می‌نمودند.

از ابراهیم بن عباس صولی که از اصحاب آن حضرت بوده، نقل شده که گفته است:
من ابوالحسن الرضا (علیه‌السلام) را هرگز ندیدم در سخن گفتن با کسی درشتی کنند. من ابوالحسن الرضا (علیه‌السلام) را هرگز ندیدم سخن کسی را پیش از فراغ از آن قطع کند. هرگز درخواست کسی را که قادر به انجام دادن آن بود رد نفرمودند. هرگز پاهای خود را



جلوی هم نشین، دراز نمی کردند. هرگز در برابر هم نشین، تکیه نمی کردند. هرگز او را ندیدم که غلامان و بردگان خود را بد گوید. هرگز او را ندیدم که آب دهان بیندازد. هرگز او را ندیدم که قهقهه بزند، بلکه خنده اش، تبسم بود. تا آنجا که می گوید: هر که بگوید در فضیلت، کسی را مانند او دیده، از او باور نکنید. (ابن بابویه، ۱۳۷۲: ج ۲، ص ۱۸۲ - ۱۸۳)

۲-۱ عبادت

عبادت، فروتنی در مقابل خداوند است. انسان کامل به هر اندازه به خدا نزدیک تر باشد به همان اندازه خشوع و بندگی اش در مقابل خدا بیشتر می گردد، چنین کسانی هدفشان در عبادت فقط سپاس نعمت های خداوند و نظرشان به قرب پیشگاه ابدیت می باشد این بزرگ ترین امتیازات مردان الهی در ارتباط با خداست، محور اصلی زندگی آن ها خدای تعالی و عشق به خداست، شدت توجه به خدا موجب شده بود که آن ها لحظه ای از حق غافل نشوند.

منابع تاریخی امام رضا (علیه السلام) را پرهیزگاری می دانند که مکرر به زیارت خانه خدا و انجام مناسک حج و عمره می رفتند، ایشان به زیارت قبر پیامبر (صلی الله علیه و آله) علاقه فراوانی داشتند، بالای قبر پیامبر (صلی الله علیه و آله) شش یا هشت رکعت نماز می خواندند در رکوع یا سجده، سبحان الله سه بار یا بیشتر می گفتند، زمانی که نمازشان تمام می شد به سجده می رفتند آن قدر سجده را طولانی می کردند که عرق ایشان روی ریگ های مسجد می ریخت، صورت مبارکشان را روی زمین یا خاک مسجد می گذاشتند، دائماً در حال عبادت بودند و به عبادت عشق می ورزیدند و برای عبادت خداوند انواع رنج ها را تحمل می کردند. (صدوق، ۱۳۷۲: ج ۲، ص ۱۸۰)

امام رضا (علیه السلام) همچون پدر و اجداد پاکشان همواره قبل از هر چیز بندهی خالص



خداوند بودند و همه چیز را در بندگی خدا دنبال می کردند در پرتو همین بندگی بود که به ارزش های والای انسانی و مقام های بلند معنوی دست یافتند. عبادت، راز و نیاز، مناجات و سجده های طولانی شان نشان می دهد که ایشان دل داده ی خداست.

رابطه تنگاتنگ عاشقانه با ذات پاک خداوند داشتند. یکی از همراهان این بزرگوار در سفر خراسان می گوید: به روستایی رسیدیم، آن حضرت به نماز ایستادند و سجده های طولانی به جای آوردند، او می گوید: شنیدم امام در سجده می گفتند:

«خدایا اگر تو را اطاعت کنم حمد و سپاس مخصوص تو است و اگر نافرمانی کنم حجت و عذری برایم نخواهد بود، من و دیگران در احساس تو شریکی نداریم اگر نیکی به من رسد از جانب تو است. ای خدای بزرگوار! مردان و زنان با ایمان را در مشرق و مغرب در هر کجا هستند پیامرز.» (مجلسی، ۱۳۶۳: ج ۴۹، ص ۹۳-۹۴)

اهمیت امام (علیه السلام) به نماز در سیره ی عملی ایشان کاملاً مشهود است. نقل شده است روزی ایشان با بزرگان ادیان مختلف مناظره داشتند و سخنان زیادی بین امام (علیه السلام) و حاضران رد و بدل می شد، جمعیت زیادی در آن مجلس حاضر بودند. زمانی که ظهر شد امام فرمودند: وقت نماز است. یکی از حاضران که عمران نام داشت گفت: سرورم سخنانمان را قطع نکن که دلم آزرده می شود شاید اگر سخنانتان را ادامه دهی مسلمان شوم. ایشان فرمودند نماز می خوانیم و برمی گردیم امام درخواستند و نماز خواندند. (مدرسی، ۱۳۶۷: ص ۲۸۱)

۱-۳ زهد و ساده زیستی:

ساده زیستی یک حالت و رفتار اخلاقی است که بر پایه عقیده و نگرش ایمانی درباره ارزش زندگی و ملزومات و رفاه آن استوار است و مفهوم ساده زیستی مانند خیلی از



مسائل دیگر دارای سوءتعبیرهایی هم می باشد که بعضی ها معنی درست آن را نفهمیده اند. در حالیکه اهل بیت (علیهم السلام) این مصادر معرفت و این انوار هدایت، معنای ساده زیستی را به خوبی برای ما روشن می سازند.

امام رضا (علیه السلام) با آنکه موقعیت بالایی داشتند و می توانستند بهترین زندگی را داشته باشند ولی از زینت های دنیوی و ملزومات آن دوری گزیدند ولی ظاهر خود را مرتب می ساخت تا در مقابل مردم، ظاهری معمولی داشته باشد تا مردم درباره ایشان تفکر ریا را در سر نپرورانند. ارتباط او با خداوند متعال به دور از هرگونه تجمل و دنیا دوستی بود.

امام (علیه السلام) کسی است که گفتار و کردارش برای مردم الگو است. هیچ کس نمی تواند ادعای امامت کند مگر اینکه کردارش درس باشد و به چیزی که مردم را به آن دعوت می کند. از خود ظاهر سازد و مردم شاهد آن باشند.

گوشه گیری از دنیا و ساده زیستی، برجسته ترین صفات امام رضا (علیه السلام) بود. تمام راویان متفق القول هستند که وقتی آن حضرت ولیعهد مأمون شدند هیچ توجهی به جنبه ی قدرت و عظمت آن نداشتند.

نقل شده زمانی که امام رضا (علیه السلام) مجبور به پذیرفتن ولایتعهدی شدند، چون روز عید فرا رسید مأمون برای خواندن نماز از امام (علیه السلام) دعوت به عمل آورده ایشان با ساده ترین پوشش و با لباسی که مخصوص نماز عید بود حاضر شدند، این لباس عبارت بود از دو قطیفه روی لباس و عمامه ی سفیدی از کتان که به سر بسته بود که یک طرف آن را به سینه و طرف دیگرش را میان دو شانه انداخته بودند عصایی به دست داشتند، درحالی که کفش برپا نداشتند. چون همراهان ایشان این وضعیت را دیدند، آنان هم چون

امام راه افتادند. (مفید، ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۳۷۳-۳۷۲)



اگرچه شأن ایشان و دیگر امامان (علیهم السلام) اقتضا می کند زندگی شان باید بالاتر از آن چیزی باشد که در خانه هایشان دیده می شود ولی آن ها زیور دنیا را به هیچ می انگاشتند و دل به رضوان خدا و انجام وظیفه ای خوش می کردند که خدای متعال برایشان معین کرده بود. خانه ایشان مرکز آمد و شد بود و باب امید افرادی که به دلایل مختلف به خدمت او می آمدند. این آمدوشدها در فصل حج طبیعتاً زیادتر می شد. در مواردی دردمندان، فقیران و افراد محتاج و آن ها که از همه جا رانده می شدند به درب خانه آن حضرت چشم می دوختند.

امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) جامع تمام فضائل بودند، به طوری که تمام صفات عالی در ایشان جمع شده بود. خصایص شریف امام رضا (علیه السلام) قسمتی از صفات جدش، بزرگ ترین پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) بود که از میان پیامبران ممتاز بودند.

ایشان درباره زهد به نقل از پدرشان می فرمودند:

«زاهد آن است که حلال دنیا را از ترس حساب و کتاب و حرام دنیا را از ترس عقاب

ترک می کند.» (صدوق، ۱۳۷۲: ج ۱، ص ۶۲۸)

محمد بن عباد درباره رفتار زاهدانه آن حضرت می گوید:

پوشش ابوالحسن (علیه السلام) در طول تابستان همواره یک بوریا بود. ایشان در طول زمستان با همه عظمت و وقاری که داشتند پوششی ساده داشتند و به دور از هرگونه علامت گذاری و یا این که رنگ مخصوصی داشته باشد همیشه لباس زیر به تن می کردند مگر آنکه می خواستند پیش مردم و به دیدن آن ها بروند که در آن وقت بهترین

لباس خود را می پوشیدند. (قمی، ۱۳۸۵: ص ۱۰۰۷)



۲. ابعاد اجتماعی

پرهیزگاری و تقوای امام رضا (علیه السلام) طوری بود که نه تنها مردم، بلکه دشمنان نیز به آن اعتراف می کردند، همه فکر و اندیشه ایشان، حفظ دین خدا و اجرای وظایف الهی بود و نجات خود و مردم را در تقوا، پرهیزگاری و عبادت کردن می دانستند. چیزهایی که در دنیا وجود داشت، سبب نشد که ایشان از وظیفه ی خود دور بیفتند، ایشان همیشه سعی داشتند مردم را به تقوا و عبادت و پرستش خداوند دعوت نمایند. (صدوق، ۱۳۷۲: ج ۲، ص ۵۷۳) چنان که به برادرشان زید فرمودند:

«ای زید از خدا بترس، آنچه که ما به آن رسیده ایم به وسیله ی همین تقواست هر کس که تقوا داشته باشد و خدا را مراقب خود نداند از ما نیست و ما از او نیستیم» (صدوق، ۱۳۷۲: ج ۲، ص ۴۲۱)

۱-۲ اخلاق در خانواده

امامت سی و پنج ساله امام موسی کاظم (علیه السلام) با حوادث و فراز و نشیب های سیاسی آمیخته بود. بیشتر زندگانی ایشان در زندان های هارون الرشید سپری شد. امام رضا (علیه السلام) در تمامی مدتی که امام کاظم (علیه السلام) زندانی بودند دستیار و پشتوانه ی استوار پدر در حوادث سیاسی - فرهنگی بودند. چون امام کاظم (علیه السلام) بیشتر عمر شریفشان در زندان ها سپری شد، امام رضا (علیه السلام) به عنوان فرزند ارشد مسئول نگهداری خانواده بودند، ایشان در این مدت طوری از خانواده شان مراقبت کردند که اجازه ندادند کسی به آن ها بی احترامی کند، نهایت احترام را به آن ها می گذاشتند و خطرات دشمنان را از آنان دور می کردند علاقه حضرت به خانواده شان در محبتی که به امام جواد



(علیه السلام) داشتند نیز قابل ملاحظه است. قبل از تولد امام جواد (علیه السلام) فردی به امام رضا (علیه السلام) می گوید شما کودکان را دوست دارید پس از خداوند بخواهید که پسری به شما عطا کند.

حضرت فرمودند: خداوند پسری به من خواهد داد که وارث من می شود هنگامی که ابا جعفر (علیه السلام) متولد شدند، حضرت در طول شب گهواره ایشان را حرکت می دادند و با او بازی می کردند. امام فرزندشان را آن قدر دوست می داشتند که شب را نمی خوابیدند و گهواره امام جواد (علیه السلام) را حرکت می دادند. به ایشان عرض شد آیا مردم با پسرانشان چنین رفتار می کنند؟ حضرت فرمودند: این پسر مانند عامه مردم نیست و به دنیا آمدن و رشد نمودن او مانند ولادت پدران پاکش است. (بهبهانی، ۱۳۸۲: ص ۱۷)

رفتار امام با فرزندشان امام جواد (علیه السلام) آن قدر محبت آمیز و توأم با احترام بود که ایشان را به نام صدا نمی زدند بلکه بیشتر با کنیه مورد خطاب قرارش می دادند. به عنوان مثال می فرمودند: ابو جعفر برای من نوشته است و من برای ابو جعفر نوشتم. (قرشی، ۱۳۸۲: ج ۱، ص ۵۱)

۲-۲ محبت نسبت به مردم

اگر انسانی نگاهش به انسان و سایر موجودات عالم نگاه شرافت و بزرگی باشد و همه موجودات را تجلی خدا ببیند جز از در مهرورزی و رافت با عالم هستی به در نمی آید و خود را بخشی از عالم شریفی می داند که باید با تعامل باهم مسیر تکامل را طی نمایند.

امام رضا (علیه السلام) به عنوان اسوه کانون مهر و عاطفه نسبت به بندگان خدا بود. در زیارت آمده است:

«السلام علی الامام الرئوف»؛ سلام بر امام و پیشوای با رأفت و مهربان



این لقبی است که از طرف خداوند به ایشان داده شده است. ایشان بیشترین محبت و مهربانی را نسبت به مردم و اهل خانه و خدمت گزارانشان داشتند. در روزی که ایشان مسموم شدند و در آن روز به شهادت رسیدند بعد از اینکه نماز ظهر را خواندن به فردی که نزدیکشان بود فرمودند:

مردم (منظور اهل خانواده، کارکنان و خدمت گزارانشان بودند) غذاخوردند؟ آن فرد جواب داد: آقای من در چنین وضعیتی کسی می تواند غذا بخورد؟ در این لحظه که امام (علیه السلام) متوجه می شوند کسی غذا نخورده، می نشینند و دستور آوردن سفره ای را می دهند همه را سر سفره دعوت می کنند و آن ها را یکی یکی مورد محبت قرار می دهند. (صدوق، ۱۳۷۲: ج ۲، ص ۴۹۸)

در چشم امام رضا (علیه السلام) همه افراد، از نظر انسانی مقام و ارزش داشتند و به آنان احترام می گذاشت و برابری انسان ها را در حقوق ملاحظه نمودند، از تحقیر انسان ها و پست شمردن آنان و توهین و استهزاء، سخت جلوگیری می کرد و شکل و شمایل و رنگ و ثروت و ... ملاک نبود. بلکه «انسان»، در نظر او محترم و عزیز بود. حتی غلامان و سیاهان هم مورد عنایت و توجه او بودند و با آنان هم به عنوان یک انسان برخورد می کرد.

یاسر، خادم امام رضا (علیه السلام) می گوید:

امام رضا (علیه السلام) به ما فرمودند:

«اگر من بالای سر شما ایستادم و شما در حال غذا خوردن بودید، بلند نشوید تا این که از غذا خوردن فارغ شوید. گاهی حضرت، یکی از ما را (برای انجام کاری) صدا می کرد. وقتی گفته می شد: مشغول غذا خوردن است، می فرمود: بگذارید تا غذایش را بخورد، بعد...»

(مجلسی، ۱۳۶۳: ج ۴۹، ص ۱۰۲)



۲-۳ اخلاق در سیاست:

از خدمات مهم امام (علیه السلام) به دنیای اسلام و خاصهً مسلمین ایجاد اتحاد و وحدت بود. چه بسیار بودند عوامل تفرقه که در جامعه ایجاد شده و زمامداران به آن دامن زده بودند. مسألهٔ پیدایش مذاهب و استقلال آن‌ها که در عصر منصور پایه‌گذاری شده بود، در زمان امام رضا (علیه السلام) این فرصت به وجود آمد که در این وادی حرکتی از خود نشان دهند.

ایشان در سایهٔ بحث‌ها، نشست‌ها و مناظره‌ها به گروه‌های مخالف هم نشان داد مسئله شیعه آن‌چنان نیست که آنان تصور دارند و هم نشان داد که نتیجه اختلافات و فرقه جویی‌ها موجب بروز چه عوارضی برای جامعه اسلامی است و راهی را برای انس و وحدت به رویشان گشود.

آن حضرت در تمام مدت توقف در ایران درصدد معرفی ویژگی‌های حکومت اسلامی و بیان حقایق به‌ویژه در عرصه عدالت بود.

ایشان می‌فرمود که اصل بر تساوی انسان‌ها برابر قانون و بهره‌مندی مساوی از حقوق و مزایای حیات است. ایشان در مرو بود ولی اساس حکومت دینی را به مردم نشان می‌داد و طرح کلی حکومت اسلام را با همه خصایص آن عرضه می‌کرد. همچنین ایشان دید اسلام را در زمینه عدالت و بسط آن در میان طبقات و گروه‌های مختلف، دفع شرور و کابوس ستم بیان می‌داشت.

امام رضا (علیه السلام) در گفتگو با مسئولان مملکت و در برابر مستضعفان یک سلسله اصول و ضوابط را در رفتار خود منعکس می‌سازد، حضرت رضا (علیه السلام) همه جا مدافع اصول و مبانی اسلام است، او پیوسته بر وفق موازین اسلامی عمل می‌کند. او همه جا از حق ولایت خود و پدران خود دفاع می‌کند.



منطق قوی حضرت رضا (علیه السلام) در تمام مباحثشان افراد را مسحور می ساخت. یکی از اهداف شوم مأمون از مسئله ی ولایتعهدی امام رضا (علیه السلام) این بود که آن حضرت را با نزدیک کردن به دستگاه پر زرق و برق و برخوردار از لذائذ و نعمت های مادی خود، به دنیاپرستی و جاه طلبی متهم کند؛ ولی مناعت طبع و عزت نفس پیشوای هشتم نقشه مأمون را نقش بر آب ساخت.

امام (علیه السلام) پس از پذیرش ولایتعهدی نیز با بی اعتنایی تمام به تشکیلات سلطنتی مأمون، به زندگی ساده و بی آرایش دوران پیش از ولایتعهدی خود ادامه داد و حتی در برابر سیاست مأمون که سعی می کرد آن حضرت را وارد کارهای حکمتی بکند، فرمود:

این امر هرگز نعمتی برایم نیفزوده است، هنگامی که در مدینه بودم دست ختم در شرق و غرب نفوذ داشت. در آن زمان بر استرم سوار می شدم و (با آرامی و آزادی) کوچه های مدینه را می پیمودم و این حالت از همه چیز برایم عزیزتر و مطلوب تر بود.

امام رضا (علیه السلام) در یکی از گفتگوهای خود با مأمون به این هدف شوم خلیفه اشاره می کند و می فرماید:

«تو می خواهی مردم بگویند علی بن موسی الرضا از دنیا روی گردان نیست. این دنیاست که بر او اقبال نکرده است. مگر نمی بینید چگونه به طمع خلافت، ولایتعهدی را پذیرفته است» (ابن شهر آشوب، ۱۴۱۲ق: ج ۴، ص ۳۶۳)

امام رضا (علیه السلام) به راهنمایی و هدایت منحرفان فکری و سیاسی بسیار اهمیت می داد. پس از شهادت امام کاظم (علیه السلام)، گروهی چنان پنداشتند امام کاظم علیه السلام همچنان زنده است. حضرت رضا (علیه السلام) به شیوه های مختلف با این گروه رو به رو می شد و به هدایت آن ها می پرداخت.



عبدالله بن مغیره عراقی می گوید:

«من به مذهب واقفیه اعتقاد داشتم. وقتی برای به جای آوردن مراسم حج به مکه رفتم، تردید وجودم را فراگرفت. خود را به دیوار کعبه چسباندم و گفتم: خدایا، نیازم را می دانی، مرا به بهترین دین ها ارشاد فرما!

همان جا به قلبم خطور کرد نزد امام رضا (علیه السلام) به مدینه بروم. وقتی به خانه ی حضرت رسیدم، به خادم گفتم: به مولایت بگو مردی عراقی آمده است. در این لحظه، صدای امام رضا (علیه السلام) را شنیدم که دو بار فرمود: عبدالله بن مغیره، وارد شو! وارد خانه شدم، به چهره ام نگریست و فرمود: خداوند دعایت را مستجاب و تو را به دین خویش هدایت کرد.

گفتم: اشهد انک حجة الله و امینه علی خلقه.» (کلینی، ۱۳۶۹: ج ۱، ص ۳۵۵)

۲-۴ اخلاق در مناظرات:

دستگاه خلافت عباسی، با اهدافی خاص، از اندیشه وران مذاهب و فرقه های گوناگون، دعوت می کرد و آنان را رو در روی امام (علیه السلام) قرار می داد. با مطالعه در شخصیت، روحیات و افکار مأمون، آشکار می شود که او از تشکیل چنین جلسات و همایش هایی، اهدافی سیاسی را دنبال می کرد. هر چند شخصاً به مباحثات علمی علاقه مند بود، ولی مأمون به عنوان خلیفه، شخصی نبود که بخواهد با این گونه مباحثات و مناظرات، عظمت و حقانیت خاندان پیامبر را به نمایش بگذارد و شخصیتی را که مورد توجه انقلابیون آل علی بود، در جامعه مطرح کند و علم و شکوه و شایستگی و برتری آنان را به دیگران بنمایاند، بلکه در پس این تلاش ها، اهدافی سیاسی داشت.

آن حضرت در بحث خود با دیگران روش خاصی را اعمال می کرد و آن این بود که راه را بر خصم نمی بست بلکه آزادش می گذاشت تا به هر صورتی که می خواهد همه مسائل خود را



بیان کند. در بحث همچنان پیش می‌رفت که راه را بر خود بسته ببیند و آنگاه امام قدم به پیش می‌نهاد و مباحث خود را مطرح می‌کرد به طوری که فرد خود قانع می‌شد و درمی‌یافتند که چه خطا و اشتباهی در استدلال است.

امام در شیوه‌های بحث خود از روش‌های جدال، حکمت و راه موعظه استفاده می‌کرد؛ و گاهی هم برای افراد بی‌محتوا ولی گستاخ از شیوه کرامت و اعجاز استفاده می‌کرد.

از شیوه‌هایی که امام در بحث خود به کار می‌برد این بود که او با هر قومی به زبان همان قوم سخن می‌گفت و با طرفداران تورات از تورات و با طرفداران انجیل از متن انجیل حرف می‌زد. حتی نوشته‌اند او با صابئین به زبان عبری‌شان، با زردشتی‌ها به زبان پارسی احتجاج می‌کرد و آن‌ها را در کار خود مجاب می‌ساخت.

او حتی در سر سفره‌ای که در برابر اقوام مختلف قرار می‌گرفت برای خوش آمد مهمانان مطالباتی داشت و این مطالبات را به زبان آنان بیان می‌کرد. حتی از او آمده است که گاهی به زبان فارسی با ایرانیان حرف می‌زد و این امر برای آنان بسیار خوشایند بود و احساس انس و صفای بیشتری با امام می‌کردند.

امام علاوه بر این که برای پرسش‌های مختلف عالمان ادیان و مکاتب، پاسخی درخور داشت، بر مبنای اعتقادی شخص مخاطب سخن می‌گفت و استدلال می‌کرد و این مظهر دیگری از توانمندی علمی امام بود. امام با اهل تورات، به توراتشان، با رهروان انجیل، بر مبنای انجیل و با حاملان زبور، به زبور و... سرانجام با هر فرقه و گروهی با مبنای خود آنان سخن گفته، به روش خودشان استدلال می‌کرد.

محمد بن زید رازی می‌گوید:

«در خدمت امام رضا علیه‌السلام بودم، در ایّامی که مأمون او را به ولیعهدی معرفی کرده



بود. مردی از خوارج، در حالی که در دستش خنجری زهرآگین بود وارد شد و به دوستانش گفت: به خدا سوگند، پیش این شخص که مدعی است فرزند پیامبر است می‌روم، او این‌گونه وارد بر این طاغوت (یعنی مأمون) شده است! از او دلیل کارش را خواهم پرسید. اگر دلیلی داشت که هیچ، وگرنه مردم را از دست او (امام رضا علیه‌السلام) راحت خواهم کرد.

پیش امام آمد و اجازه طلبید، امام، اذن داد و فرمود: به سؤالت با این شرط جواب می‌دهم که اگر پاسخم را پسندیدی و قانع شدی، آنچه را که در آستین داری (خنجر) بشکنی و دور اندازی!

آن مرد که از خوارج بود، حیرت‌زده ماند، خنجر را بیرون آورد و شکست. آنگاه پرسید: چرا به حکومت این طاغوت وارد شده‌ای، در حالی که اینان در نظر تو کافرند و تو پسر پیامبری، چه چیز تور را به این کار وا داشته است؟

امام رضا (علیه‌السلام) فرمود: آیا به نظر تو اینان کافرترند، یا عزیز مصر و اهل کشور او؟ مگر نه این که اینان، خود را موحد می‌شمارند، ولی حکام مصر، نه یکتاپرست بودند و نه خداشناس؟!

یوسف، پسر یعقوب (علیه‌السلام)، پیامبر و پسر پیامبر بود که عزیز مصر گفت: مرا مسئول خزائن مملکت قرار بده... و با فرعون‌ها نشست و برخاست می‌کرد. در حالی که من یکی از اولاد پیامبرم (نه پیامبر) و مأمون هم مرا بر این کار، اجبار و اکراه کرده است. چرا بر من خشم می‌گیری و این را زشت می‌شماری؟

آن مرد گفت: بر تو اشکالی نیست گواهی می‌دهم که تو فرزند پیامبری و تو صادق هستی. (مجلسی، ۱۳۶۳: ج ۴۹، ص ۵۵)

علی بن شعبه می‌گوید: وقتی امام رضا (علیه‌السلام) در مجلس مأمون به گروهی از



دانشمندان عراقی و خراسانی پیوست، مأمون گفت:

منظور از آیهی «ثم اورثنا الكتاب الذین اصطفینا من عبادنا» چیست؟

دانشمندان گفتند: مراد تمام امت است؛ یعنی همه‌ی امت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)

برگزیده‌اند و کتاب به آن‌ها ارث می‌رسد. مأمون به امام گفت: شما چه می‌فرمایید؟

عالم آل محمد فرمود:

خداوند در این آیه به عترت پاک رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نظر دارد.

مأمون پرسید: چگونه؟

امام فرمود: اگر همه‌ی امت برگزیده‌ی خدا و وارث کتاب بودند، پس باید همه بهشت

می‌رفتند؛ چون خدا می‌فرماید:

«فمنهم ظالم لنفسه و منهم مقتصد و منهم سابق بالخیرات باذن الله ذالک هو الفضل

الکبیر» پس آن‌ها را در بهشت قرار داد و فرمود:

«جنات عدن یدخلونها» پس وراثت به عترت پاک رسول خدا اختصاص دارد.

عترت پیامبر کسانی اند که خداوند در کتابش آن‌ها را چنین وصف کرده است:

«انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا.»

رسول خدا نیز درباره‌ی آن‌ها می‌فرماید:

«من دو چیز گران‌بها میان شما بر جای می‌گذارم: کتاب خدا و عترتم [که] اهل بیت

من [شمرده می‌شوند] هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا در حوض بر من وارد شوند.» (ابن شعبه،

۱۳۸۲: ص ۳۱۳)



۲-۵ قضا حاجت محتاجان

از اصول اخلاقی که در زندگی همه ی امامان فراوان دیده شده است جود و سخاوت است. سخاوت در مقابل بخل قرار دارد، یعنی انسان از امکانات مادی و معنوی که در اختیارش وجود دارد فقط خودش استفاده نکند بلکه با بخشش به دیگران قسمتی از مشکلات آن ها را حل کند و دیگران را از نعمتهایی که خداوند به او داده، چه نعمت مادی و چه نعمتهای معنوی مانند علم برخوردار کند. (محمدی اشتهاردی، ۱۳۷۷: ص ۵۳)

امام رضا (علیه السلام) فرمودند:

«السخی یاکل من طعام الناس لیاکلوا من طعامه و البخیل لیاکل من طعام الناس لئلا

یاکلوا من طعامه»؛

انسان سخاوتمند از غذای دیگران می خورد تا از غذای او بخورند، ولی انسان بخیل از غذای دیگران نمی خورد تا از غذای او نخورند. (مجلسی، ۱۳۶۳: ج ۴۹، ص ۱۰۲)

تاریخ زندگانی امام رضا (علیه السلام) گواهی می دهد که در نزد حضرت، از امور دنیا چیزی محبوب تر از احسان به مردم و انفاق به تهیدستان نبود. تا آنجا که در اوان استقرار در خراسان، در یکی از روزهای عرفه، تمام اموال خویش را میان فقرا قسمت کرد.

این عمل امام (علیه السلام) بر فضل بن سهل گران آمد و امام (علیه السلام) را زیان دیده خواند. علی بن موسی (علیه السلام) به او فرمود: چنین نیست، بلکه این عمل، با توجه به پاداش آن، عین سود بردن است. (ابن شهرآشوب، ۱۴۱۲ ق: ج ۴، ص ۳۹۰)

همچنین در روایت آمده است که:

«روزی تنگدستی رو به امام (علیه السلام) نمود، گفت: به من به اندازه جوانمردی و



مروت عطا کن. امام (علیه السلام) پاسخ داد: چنین کاری از توان من خارج است. شخص نیازمند که متوجه خطای خویش شده بود، دوباره گفت: به من به قدر جوانمردی خودم عطا کن. امام (علیه السلام) پاسخ داد: چنین کنم پس رو به خادم خویش کرده فرمود: به او صد دینار بده.» (مجلسی، ۱۳۶۳: ج ۴۹، ص ۹۱)

مرحوم کلینی و برخی دیگر از بزرگان (رضوان الله تعالی علیهم) به نقل از یسع بن حمزه - که یکی از اصحاب حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) است - حکایت نماید:

روزی از روزها، در مجلس آن حضرت در جمع بسیاری از اقشار مختلف مردم حضور داشتیم، که پیرامون مسائل حلال و حرام از آن حضرت پرسش می کردند و حضرت جواب یکایک آن ها را به طور کامل و فصیح بیان می فرمود.

مردی بلند قامت داخل شد و گفت: سلام بر تو ای فرزند پیامبر خدا، من مردی از دوستان شما، پدران و نیاکان شما هستم. اکنون از زیارت خانه ی خدا بازگشته ام و چیزی که بتوانم با آن خود را به خانه برسانم ندارم. مرا به دیارم فرست، من دارای نعمت و دولت و درخور صدقه نیستم، آنچه مرحمت فرمایی، از سوی شما صدقه خواهم داد.

امام از او خواست بنشیند. بعد از پایان جلسه، از وی اجازه گرفت و به خانه رفت. لحظاتی بعد، در را بست؛ دستش را از بالای در بیرون آورد و پرسید: [آن مرد] خراسانی کجاست؟! مرد پاسخ داد: این جایم.

فرمود: این دویست دینار را بگیر، با آن هزینه ی سفر را تأمین کن؛ به این ها تبرک بجوی، از سوی من صدقه مده و بیرون شو. یکی از یاران حضرت پرسید: فدایت شوم به او مهربانی کردی و چهره پنهان ساختی؟!

حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) فرمود: چون نخواستیم که آن شخص غریب



نزد من سرافکنده گردد و احساس ذلت و خواری نماید. سپس در ادامه فرمایش خود افزود:
 آیا نشنیده‌ای که پیامبر اسلام (صلی‌الله علیه و آله) فرمود:

هرکس خدمتی و یا کار نیکی را دور از چشم و دید دیگران انجام دهد، خداوند متعال
 ثواب هفتاد حج به او عطا می‌نماید؛ و هرکس کار زشت و قبیحی را آشکارا انجام دهد، خوار
 و ذلیل می‌گردد. (مجلسی، ۱۳۶۳: ج ۴۹، ص ۱۰۱-۱۰۰)

در بررسی سیره‌ی امام رضا (علیه‌السلام)، ویژگی بذل و بخشش بسیار به چشم می‌خورد.
 ایشان، بسیار صدقه‌ی پنهانی می‌دادند و اموال خویش را بین نیازمندان تقسیم می‌نمودند.
 روایت شده که ایشان یک سال تمام، ثروت خود را در روز عرفه بین نیازمندان تقسیم
 کردند. فردی به ایشان گفت: این گونه بخشش ضرر و زیان نیست بلکه غنیمت است،
 هرگز چیزی را که به وسیله آن طلب اجر و کرامت می‌کنید، غرامت و ضرر به شمار نیاور.
 (محمد امین، ۱۳۷۶: ص ۱۵۰)

گزارش شده هر وقت سفره‌ی غذا را برای امام پهن می‌کردند کاسه‌ای نزدیک ایشان
 قرار می‌داند، ایشان از هر نوع غذا مقداری را بر می‌داشتند و در آن کاسه می‌ریختند و
 دستور می‌دادند آن را بین فقرا تقسیم کنند. بعداً می‌فرمودند:

«فلا اقتحم العقبه»؛ (بلد/ ۱۱)

باز هم به عقبه تکلیف تن در نداد.
 و می‌فرمودند: خداوند می‌داند که همه‌ی مردم قدرت این را ندارند که بنده آزاد کنند.
 برای آن‌ها راه دیگری قرار داده و آن غذا دادن به فقرا است. (مجلسی، ۱۳۶۳: ج ۴۹ ص ۹۷)
 همچنین نقل شده است شخصی به حضرت علی ابن موسی‌الرضا (علیه‌السلام) گفت:

به قدر جوانمردی خودتان به من عطا و بخشش کنید. ایشان فرمودند: این اندازه برای



من مقدور نخواهد شد. او گفت: پس به اندازه مروت من عطا کن. حضرت فرمودند: این مقدار ممکن می شود پس از این جریان به غلام خودشان دستور دادند تا مبلغ دوپست اشرفی به او بدهند. (مجلسی، ۱۳۶۳: ج ۴۹ ص ۱۰۰)



نتیجه بحث

سیره امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) را می توان به عنوان یکی از بهترین الگوهای فردی و اجتماعی برای همه مسلمین جهان می باشد

برخی از ابعاد زندگی فردی امام هشتم عبادت، ادب، زهد و ساده زیستی و ابعاد اجتماعی رعایت مسائل اخلاقی در خانواده، سیاست، مناظرات، محبت و عاطفه نسبت به مردم و... از اموری هستند که جهان از آن غافل مانده است منش تعاملی این امام بزرگوار دنیای زیباتری را پیش روی انسان معاصر قرار می دهد.

از این روش امام (علیه السلام) در زندگی فردی و اجتماعی به عنوان الگوی کامل معرفی می گردند.



منابع و مأخذ

* قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون الاخبار، مترجم علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق، ۱۳۷۲.
۲. ابن شعبه، حسن بن علی، تحف العقول، مترجم صادق حسن زاده، قم، آل علی، ۱۳۸۲ ش.
۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، المناقب، مترجم هاشم رسولی محلاتی. قم، علامه، ۱۴۱۲ ق.
۴. دهدشتی بهبانی، محمدباقر بن عبدالکریم، زندگانی امام جواد، تهران، آرام دل، ۱۳۸۲.
۵. شریف قرشی، باقر، پژوهشی دقیق در زندگانی امام رضا علیه السلام، تهران، اسلامیه، ۱۳۸۲.
۶. قمی، شیخ عباس، منتهی الآمال، قم، نشر بوکتاب، ۱۳۸۵.
۷. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، مترجم هاشم رسولی محلاتی، تهران، کتابفروشی علمیه اسلامیه، ۱۳۶۹ ش.
۸. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، مترجم ابوالحسن موسوی، تهران، کتابخانه مسجد حضرت ولی عصر (عج)، ۱۳۶۳ ش.
۹. مدرسی، محمد تقی، امامان و جنبش های مکتبی، مترجم حمید رضا آژیر، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۷ ش.
۱۰. مفید، محمد بن محمد، الارشاد شیخ مفید، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
۱۱. محمد امین، سیره معصومین علیهم السلام، مترجم حسین وجدانی، تهران، صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۶ ش.
۱۲. محمدی اشتهاردی، محمد، اصول اخلاقی امامان علیهم السلام، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷ ش.
۱۳. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، مترجم حمیدرضا شیخی، قم، موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۸۹ ش.

